

## پرسش:

آیا جناب عبد الله و جناب عبدالمطلب مومن بودند یا خیر؟

## پاسخ:

با سلام

برخی از علمای تفسیر این مبحث را ذیل آیه ۷۴ سوره انعام و آیه ۲۱۹ سوره شعراء و دیگر آیات مطرح کرده‌اند.

سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب الصحیح من سیرة النبی الأعظم جلد ۱ صفحه ۱۵۰ تا ۱۵۴ به این بحث پرداخته است.

تمامی علمای شیعه و برخی از علمای اهل تسنن معتقد هستند که اجداد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خداپرست و موحد بودند.

## أوائل المقالات - الشيخ المفید - ص ۴۵

کشف الخفاء، ج ۱، ص ۶۲

روح المعانی ج ۱ ص ۳۷۱

بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۱۸

ادله‌ای که برای این نظر مطرح شده است عبارتند از:

## الف: دلیل عقلی

صغری: پیامبر باید از هر چیزی که موجب تنفر و دوری مردم از او شود، پاک و مبرا باشد.

کبری: مشرک بودن اجداد پیامبر موجب تنفر و دوری مردم از پیامبر می‌شود.

نتیجه: پس اجداد پیامبر باید از شرک پاک و مبرا باشند و موحد باشند.

## ب: آیات قرآن

آیه اول:

الَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلُبُكَ فِي السَّاجِدِينَ

سوره شعراء، آیه ۲۱۸ و ۲۱۹

کسی که چون برمی خیزی تو را می بیند و حرکت تو را در میان سجده کنندگان می نگرد.

شیخ مفید می گوید:

یرید به تنقله فی أصلاب الموحدين

تصحیح اعتقادات الإمامية - الشيخ المفيد - ص ۱۳۹

منظور از این آیه منتقل کردن پیامبر در اصلاب کسانی است که موحد بودند.

فخر رازی ذیل معنای این آیه می گوید:

ومما يدل أيضاً على أن أحداً من آباء محمد عليه السلام ما كان من المشركين قوله عليه السلام لم أزل

أنقل من أصلاب الطاهرين إلى أرحام الطاهرات وقال تعالى إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ وذلك يوجب أن يقال إن أحداً

من أجداده ما كان من المشركين

التفسير الكبير ج ۱۳ ص ۳۳

از چیزهای دیگری که دلالت می کند بر این که اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله مشرک نبودند این

سخن پیامبر است که می فرماید: از اصلاب طاهر به ارحام طاهر منتقل شدم؛ چون خداوند می فرماید: مشرک

نجس است؛ پس موجب می شود که بگوییم هیچ کدام از اجداد پیامبر مشرک نبودند.

شیخ طوسی می گوید:

آباء النبي صلى الله عليه وآله كلهم كانوا مسلمين إلى آدم ولم يكن فيهم من يعبد غير الله تعالى لقوله صلى الله عليه وآله لم يزل الله ينقلني من أصلاب الطاهرين إلى أرحام الطاهرات والكافر لا يوصف بالطهارة لقوله تعالى إنما المشركون نجس

### التبيان في تفسير القرآن - الشيخ الطوسي - ج ٧ ص ١٢٩

اجداد پیامبر تا حضرت آدم همه مسلمان بودند و در بین آنها کسی نبوده است که غیر خدا را پرستد؛ چون پیامبر می فرماید: دائماً خداوند من را از صلب‌های پاک و طاهر به رحم‌های پاک و طاهر منتقل کرده است و چون کافر نمی‌تواند طاهر باشد؛ چون خداوند می‌فرماید: مشرک‌ها نجس هستند.

آیه دوم:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

### سوره ابراهیم، آیه ۳۵

و ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این سرزمین را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار.

به قرینه هذا البلد که در آیه آمده است، متوجه می‌شویم که منظور حضرت ابراهیم از بنی، فرزندان اسماعیل و پدران پیامبر صلی الله علیه و آله بود و این دعا فقط شامل فرزندان اسماعیل می‌شود. در روایتی آمده است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أنا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ صِرْتَ دَعْوَةَ أَبِيكَ إِبْرَاهِيمَ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى إِبْرَاهِيمَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَاسْتَحَفَّ إِبْرَاهِيمَ الْفَرَحَ قَالَ يَا رَبِّ وَمِنْ دُرِّيَّتِي أُمَّةٌ مِثْلِي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ إِنِّي لَا أُعْطِيكَ عَهْدًا لَا أَفِي لَكَ بِهِ قَالَ يَا رَبِّ مَا الْعَهْدُ الَّذِي لَا تَفِي لِي بِهِ قَالَ لَا أُعْطِيكَ لظالمٍ مِنْ دُرِّيَّتِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمَ عِنْدَهَا فَاجْتَبَيْتَنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا

مِنَ النَّاسِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَنْتَهُتِ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَإِلَى عَلِيِّ لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِّنَّا لِصَنَمٍ قَطُّ  
فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا وَاتَّخَذَ عَلِيًّا وَصِيًّا

### مناقب علي بن أبي طالب (ع) - ابن المغازلي - ص ۲۲۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من معنی و مصداق دعای حضرت ابراهیم هستم، عرض کردیم: چگونه شما مصداق دعای ابراهیم هستید؟ حضرت فرمود: خداوند به ابراهیم خبر داد من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم، ابراهیم شادمان شد و گفت: خدایا فرزندان من را هم امام قرار بده، خداوند به او فرمود: با تو عهدی نمی‌بندم که به آن وفا نکنم، عرض کرد: در چه موردی با من عهد نمی‌بندی؟ فرمود: به تو نسبت به ستمگران از ذرّیه‌ات عهدی نمی‌بندم. عرض کرد: خدایا ستمگران ذرّیه‌ام که به این مقام نمی‌رسند کدامند؟ فرمود: هر که بت پرستی کند هرگز او را امام نخواهم کرد و شایسته امامت نیز نیست، ابراهیم عرض کرد: خدایا من و فرزندانم را از پرستیدن بت برکنار دار، خداوند آن‌ها گروه زیادی از مردم را گمراه کرده‌اند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعای ابراهیم منتهی به من و برادرم علی علیه السلام شد که هیچ‌کدام از ما لحظه‌ای برای بت سجده نکردیم، مرا پیامبر و علی را وصی قرار داد.

پیامبر در این روایت می‌فرماید: دعای حضرت ابراهیم همین طور ادامه داشت تا این که به من و برادرم امیرالمؤمنین علیه السلام منتهی شد و ما هم لحظه‌ای بت پرست نبودیم؛ همان طور که حضرت ابراهیم چنین چیزی را برای فرزندان خود (فرزندان اسماعیل) از خدا خواسته بود.

در تفسیر عیاشی ذیل همین آیه در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که بنی هاشم مسلمان بودند و بت پرست نبودند.

### تفسیر العیاشی - محمد بن مسعود العیاشی - ج ۱ ص ۶۱

در فتح القدیر ذیل آیه می‌گوید:

وقيل أراد جميع ذريته ما تناسلوا ويؤيد ذلك ما قيل من أنه لم يعبد أحد من أولاد إبراهيم صنما

**فتح القدير ج ٣ ص ١١٢**

مراد از این آیه تمامی نسل حضرت ابراهیم است و مؤید این حرف این است از فرزندان ابراهیم هیچ

کدام بت نپرستیدند.

**آیه سوم:**

خداوند در سوره زخرف در رابطه با داستان حضرت ابراهیم می‌فرماید:

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

**سوره زخرف آیه ٢٨**

و این سخن را (توحید) در فرزندان خود سخنی پاینده کرد، باشد که به خدا باز گردند.

طبری در تفسیر خود ذیل این آیه نقل می‌کند:

عن قتادة وجعلها كلمة باقية في عقبه قال التوحيد والاخلاص ولا يزال في ذريته من يوحد الله ويعبده

**جامع البيان عن تأويل آي القرآن - محمد بن جرير الطبري - ج ٢٥ ص ٨١**

قتاده در رابطه با این آیه می‌گوید: منظور از کلمه توحید و اخلاص است و همیشه در ذریه حضرت

ابراهیم کسی وجود داشته است که موحد بوده است و خدا را عبادت می‌کرده است.

شیخ طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید:

وجعلها كلمة باقية في عقبه أي جعل كلمة التوحيد وهي قول لا إله إلا الله كلمة باقية في ذرية إبراهيم

ونسله فلم يزل فيهم من يقولها

**تفسير مجمع البيان - الشيخ الطبرسي - ج ٩ ص ٧٦**

منظور از کلمه در این آیه کلمه توحید است که آن جمله لا اله الا الله است که در فرزندان و نسل ابراهیم باقی ماند و همیشه در ذریه و نسل حضرت ابراهیم کسی وجود داشته است که این کلمه را می‌گفته است و موحد بوده است.

### روایات:

#### طاهر بودن اجداد پیامبر:

برخی روایات هستند که بر طاهر بودن پدران و مادران پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت می‌کنند که الفاظ آن‌ها در کتب مختلف اختلافات بسیار کمی با هم دارند؛ اما مضمون همه آن‌ها یکی است: در کتاب المسترشد فی الامامه آمده است:

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لم يمسنى سفاح أهل الجاهلية ولم أزل أنقلب من أصلاب الطاهرين إلى أرحام الطاهرات فليس لأحد أن يدعي الطهارة الا من جرى مع رسول الله إلى عبد المطلب الذي هو جده وجد أهل بيته

المسترشد - محمد بن جرير الطبري ( الشيعي ) - ص ۵۸۱

الكافي - الشيخ الكليني - ج ۱ ص ۴۴۲

الأمالی - الشيخ الطوسي - ص ۱۸۳

كفاية الأثر - الخزاز القمي - ص ۷۱ و ۷۲

أوائل المقالات - الشيخ المفيد - ص ۴۶

مناقب آل أبي طالب - ابن شهر آشوب - ج ۲ ص ۲۴

إرشاد القلوب - الحسن بن محمد الديلمي - ج ۲ ص ۴۱۵

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ارتباط و تماسی با فحشاء جاهلیت نداشته‌ام و همیشه از صلب‌های طاهر و پاکیزه به رحم‌های طاهر منتقل شدم؛ پس کسی نمی‌تواند ادعای طهارت کند؛ مگر کسی که مثل پیامبر از نسل عبد المطلب باشد و عبد المطلب جد او و جد اهل بیت او باشد.

شیخ طوسی در تصحیح این روایت می‌گوید:

وهذا خبر لا خلاف في صحته

**التبيان في تفسير القرآن - الشيخ الطوسي - ج ٤ ص ١٧٥**

این روایتی است که در صحت آن هیچ اختلافی وجود ندارد.

همین روایت در کتب اهل سنت هم آمده است:

ومما يدل على أن آباء محمد صلى الله عليه وسلم ما كانوا مشركين قوله عليه الصلاة والسلام لم أزل أنقل من أصلاب الطاهرين إلى أرحام الطاهرات وقال تعالى إنما المشركون نجس فوجب أن لا يكون أحد من أجداده صلى الله عليه وسلم مشركا

**سبل الهدى والرشاد - الصالحى الشامى - ج ١ ص ٢٥٦**

**تفسير الرازي - فخر الدين الرازي - ج ١٣ ص ٣٩**

**تفسير الألوسي - الألوسي - ج ٧ ص ١٩٥**

**الدر المنثور في التفسير بالمأثور - جلال الدين السيوطي - ج ٥ ص ٩٨**

از چیزهایی که دلالت می‌کند بر این که اجداد پیامبر مشرک نبوده‌اند این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: همیشه از صلب‌های پاک و طاهر به رحم‌ها پاک و طاهر منتقل می‌شدم و خداوند می‌فرماید: مشرکان نجس هستند؛ پس نباید هیچ یک از اجداد پیامبر مشرک باشد.

همان طور که در روایت قبلی آمده بود، کلمه طاهرین و طاهرات در این احادیث نشان می‌دهد که پدران و مادران پیامبر صلی الله علیه و آله موحد و خداپرست بوده‌اند؛ چون مشرک طاهر نیست همان گونه که قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

**سوره توبه، آیه ۲۸**

همانا مشرکان نجس هستند.

پس اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله موحد بوده‌اند.

**طلب بخشش و شفاعت برای پدر پیامبر:**

در برخی روایات پیامبر برای پدر خودش طلب بخشش می‌کند:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله إني مستوهب من ربي أربعة وهو واهبهم لي إن شاء الله تعالى آمنة بنت وهب وعبد الله بن عبد المطلب وأبو طالب بن عبد المطلب ورجل من الأنصار جرت بيني وبينه ملحمة

**قرب الاسناد - الحميري القمي - ص ۵۶**

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من از پروردگارم خواستم ۴ نفر را ببخشد و او آنها را خواهد بخشید ان شاء الله، آمنه دختر وهب، عبدالله بن عبدالمطلب، ابوطالب بن عبدالمطلب و مردی از انصار که بین من و او حق نان و نمک (پیمان) بود.

علامه مجلسی ذیل این روایت می‌گوید:

وهذا الخبر يدل على إيمان هؤلاء فإن النبي صلى الله عليه وآله لا يستوهب ولا يشفع لكافر ، وقد نهى الله عن موادة الكفار والشفاعة لهم والدعاء لهم كما دلت عليه الآيات الكثيرة

**بحار الأنوار - العلامة المجلسي - ج ۱۵ ص ۱۰۸**



این روایت دلالت می‌کند بر ایمان این افراد؛ چون پیامبر برای کافر طلب بخشش و شفاعت نمی‌کند؛ در حالی که خدا از دوست داشتن کفار و شفاعت برای آن‌ها و دعا کردن برای‌شان نهی فرموده است؛ همان طوری که آیات بسیاری بر این مطلب دلالت می‌کند.

خداوند در سوره توبه می‌فرماید:

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ

أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

### سوره توبه آیه ۱۱۳

نباید پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند برای مشرکان هر چند از خویشاوندان باشند پس از آنکه دانستند که به جهنم می‌روند طلب آمرزش کنند.

این که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پدر و مادرم و عمویم ابو طالب را شفاعت خواهم کرد نشان می‌دهد که آن‌ها موحد بوده‌اند.

### دلیل تاریخی:

گزارش‌هایی در منابع تاریخی وجود دارد که به ما ثابت می‌کند اجداد پیامبر موحد بوده‌اند:

در تاریخ یعقوبی آمده است:

فكانت قريش تقول عبد المطلب إبراهيم الثاني

### تاریخ یعقوبی - الیعقوبی - ج ۲ ص ۱۱

حضرت عبد المطلب جدّ پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل عمل به آیین حنیف ابراهیمی به ابراهیم ثانی ملقب شده بود.

همچنین از حضرت عبد المطلب شعری نقل شده است که دلالت بر موحد بودن ایشان می‌کند:

يا رب أنت الأحد الفرد الصمد

إن شئت ألهمت الصواب والرشد

تاریخ اليعقوبي - اليعقوبي - ج ۱ ص ۲۴۷

ای پروردگار تو احد، فرد و صمد هستی اگر بخواهی راه راست و رستگاری را الهام می کنی.

از پدر پیامبر صلی الله علیه و آله هم نقل شده است که روزی فاطمه ختعمی خود را بر حضرت عبد الله

پدر پیامبر عرضه کرد او در پاسخ درخواست او ۲ شعر انشأ کرد:

اما الحرام فالممات دونه

وألحل لا حل فاستبینه

فكيف بالامر الذي تبتغينه

مناقب آل أبي طالب - ابن شهر آشوب - ج ۱ ص ۲۶

الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۹۶

أنساب الأشراف ج ۱ ص ۳۴

تاریخ الطبري ج ۱ ص ۵۰۰

مرگ بهتر از اجابت به درخواست حرام است، درخواست حلالی وجود ندارد که در آن بررسی کنم،

چگونه خود را به درخواست تو آلوده کنم.

با توجه به مطالبی که گذشت به این نتیجه می رسیم که اجداد پیامبر از حضرت آدم تا حضرت عبد الله

علی نبینا و آله و علیهم السلام همگی طاهر و پاک بوده اند و هیچگاه به خداوند شرک نورزیده اند و موحد بودند.

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)